**افسر رابط هوایی،** افسران رابط در مأموریت‌های رزمی هوانیروز، یکی از حساس‌ترین وظایف را به عهده داشتند. این افراد که با همراهی یک یا دو درجه‌دار مخابرات و خودرو و دستگاه‌های گیرنده، فرستنده و استراق سمع، به مأموریت اعزام می‌شدند؛ می‌بایست در نزدیک‌ترین منطقه به دشمن، مستقر شوند و تحت دشوارترین شرایط جنگی انجام ‌وظیفه کنند. مهارت، آگاهی و داشتن تخصص، از اولین مؤلفه‌های یک افسر رابط است که می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در شکست یا پیروزی یک عملیات داشته باشد (حماسه‌های ماندگار هوانیروز در دفاع مقدس، ۱۳۹۷: 77، 78، 105، 202 و تاریخ نبردهای هوایی، مرکز مطالعات راهبردی نیروی هوایی ارتش، 1396: 334). وظایف کلی افسران رابط به این شرح تعریف ‌شده است: آشنایی کامل با منطقه و نقاط استقرار دشمن، آشنایی کامل با تاکتیک‌های مختلف و مقدورات تمامی وسایل پرنده هوانیروز و توان تجزیه‌وتحلیل شرایط و کمک و توجیه فرماندهان قرارگاه‌های تاکتیکی و یا فرماندهان ارشد یگان عمده زمینی با تاکتیک‌های آفندی و پدافندی؛ شامل آفندی: عملیات مشترک هوایی (به معنی تلفیق آتش بالگردهای تک و شناسایی هوانیروز با هواپیماهای پشتیبانی نزدیک نیروی هوایی و آتش توپخانه نیروی زمینی‌‌)، جنگ الکترونیک، کنترل وفرماندهی**،** شناسایی با آتش، تأمین جناحین و منطقه عقب، ترابری افراد و تجهیزات، تجدید تدارکات، تخلیه مجروحین و اسرا؛ هدایت و اجرای عملیات فریبنده، پشتیبانی نزدیک هوایی با اجرای آتش مستقیم، تنظیم تیر توپخانه، روشن‌کردن منطقه نبرد.پدافندی: توانایی هوانیروز در پدافند، عرصه منازعات زمینی است. بالگردهای مسلح به‌ مثابه نیروی تأمین و یا احتیاط به کار می‌روند و چنانچه عناصری از دشمن بتواند در خطوط پدافندی خودی رخنه نمایند، این بالگردها با استفاده از سرعت و قدرت آتش خود، قادرند رخنه عناصر دشمن را متوقف و یا روند آن را کند کنند و به عناصر زرهی و مکانیزه خودی فرصت بدهند تا جلوی رخنه دشمن را بگیرند و یا با سرعت و به‌صورت هدفمند تاکتیک هلی‌برن یگان واکنش سریع را انجام دهند. هلی برن: هلی برن به عملیاتی گفته می‌شود که طی آن عملیات تحت فرماندهی و مسئولیت مستقیم فرمانده نیروی زمینی نیروهای جنگی و تجهیزات آن‌ها به نقاط گوناگون منطقه نبرد از طریق هوا ترابری و انتقال داده می‌شود. گستردگی و تعداد بالگردهای به کار گرفته‌شده در عملیات هلی برن بستگی به تعداد موجودی بالگردها دارد. این عملیات را می‌توان با استفاده از یک بالگرد تا چند گردان پروازی انجام داد. هلی برن تاخت: یورش هلی ‌برن، حمله‌ای است که به‌منظور اجرای مأموریت‌های ویژه بدون قصد تصرف مواضع و اهداف اجرا می‌شود. ضد هلی ‌برن، عملیات متحرک هوایی، عملیات در کوهستان، عملیات صحرا، عملیات در جنگل (شرح وظایف افسر رابط هوایی/ معاونت عملیات هوانیروز). هوانیروز در طی سالیان دفاع مقدس در طرح ریزهای عملیاتی همواره از ارکان اصلی و با حضور افسران رابط هوایی در کسب موفقیت‌ها سرفراز بوده است (‌کریم‌زاده و پایخان، ۱۳۶۷: 77، 78، 105، 202). سرتیپ‌دوم خلبان سیدرضا پورغلامی معاونت وقت عملیات و اطلاعات هوانیروز دراین‌رابطه عنوان می‌کند: در اوایل جنگ نیروهای زمینی اطلاعات کاملی از مقدورات، کارایی و نوع تاکتیک و مأموریت هوانیروز نداشتند و تیم‌های مأموریتی ما، بیشتر براثر اطلاعات ناقص آن‌ها و یا نیروهای سپاه دچار مشکل می‌شدند. بارها اتفاق افتاد که براثر اطلاعات و راهنمایی ناقص، بالگردها و نیروهای هوانیروز دچار سانحه و شهید شدند. بر همین مبنا بود که هوانیروز تصمیم گرفت نسبت به اعزام رابط به مناطق جنگی اقدام کند که این مأموریت به افسران کارآزموده محول می‌شد. افسران رابط در مرحله اول به طور حتم باید از دانش نظامی بالا که آشنایی با فنون شناسایی کالک، نقشه‌خوانی، جسارت و شهامت، تجزیه‌وتحلیل موقعیت نیروهای خودی و دشمن، طرح‌های عملیاتی و تصمیم‌گیری به‌موقع برخوردار باشند. وظایف افسران رابط، با مرگ و زندگی و شکست و پیروزی همراه بود که اگر صحیح اجرا می‌کردند، نتیجه درخشان می‌شد. در عملیات هشت سال دفاع مقدس و به‌خصوص والفجر 8، تلفاتی که هوانیروز به دشمن وارد آورد گذشته از اینکه توان او را کاهش داد، باعث ‌شد که توان نیروهای ایران افزایش یابد. شور و شوقی که از مشاهده‌ بالگردهای هوانیروز در وجود نیروهای زمینی به‌خصوص سپاه و بسیج در جبهه به وجود می‌آمد، غیر قابل ‌توصیف است. در عملیات والفجر 8، مأموریتی را به هواناوهایی که مجهز به موشک ماوریک بودند، واگذار کردند که ناوهای عراق را هدف قرار دهند. آن‌ها از هوانیروز به‌عنوان پشتیبانی و نجات، کمک خواستند که دراین‌رابطه یک فروند بالگرد کبرا و یک فروند بالگرد 214 اعزام شدند. نیروهای ایران بندر فاو را تصرف کرده بودند و قصد پیشروی به‌سوی بندر ام‌القصر را داشتند که شناورهای عراقی برای آن‌ها مزاحمت ایجاد می‌کردند. انجام عملیات در غروب آفتاب و منطقه مورد نظر نیز بسیار نامناسب بود. به خاطر اینکه نور آفتاب اذیت‌مان نکند، مجبور شدیم از طریق جزیره بوبیان کویت، خود را به هدف نزدیک کنیم. پرواز ما روی آب بود و بالگرد نداجا، جلوتر از ما پرواز می‌کرد. در حین پرواز، به‌یک‌باره متوجه شدم پرنده‌ای بالای سر ایشان در حال پرواز است. سریع با او تماس گرفتم و گفتم: فکر می‌کنم بالای سرت هواپیما باشد. ایشان به هشدار من توجه نکرد و گفت: خیر، هواپیما نیست؛ پرنده است و هم‌زمان تیراندازی به‌سوی او شروع شد. نزدیک‌تر که شدیم، یک فروند هواپیمای پی.سی 7 دشمن را دیدیم که پی‌درپی به‌سوی او تیراندازی می‌کند. با ورود ما به صحنه، هواپیما اقدام به فرار کرد. خوشبختانه بالگرد نیروی دریایی ارتش با وجود اینکه از چندین قسمت هدف قرار گرفته بود، سقوط نکرد و توانستیم با پشتیبانی، او را به منطقه المهدی که محل استقرار هوانیروز بود، برسانیم. بالاترین حجم پروازهای هوانیروز در آن عملیات، در دریاچه نمک و مناطق اطراف آن بود. نیروهای هوانیروز از یک‌سو با دشمن می‌جنگیدند و از سوی دیگر تدارک‌رسانی و تخلیه مجروح انجام می‌دادند. خوشبختانه به علت باتلاقی‌بودن منطقه، اکثر ترکش بمباران‌های دشمن جذب زمین می‌شد، هرچند که بالگردهای ما هم بی‌نصیب نماندند؛ اما آسیب‌دیدگی جزیی بود و در همان منطقه توسط تیم‌های تعمیراتی هوانیروز به‌سرعت برطرف می‌شد (‌سلطانی، ۱۳۸۲‌). **مآخذ:** پایخان، صفر و اردشیر کریم‌زاده، حماسه‌های ماندگار هوانیروز در دفاع مقدس‌‌، تهران: سوره سبز، ۱۳۹۰؛ سلطانی، مرتضی، هوانیروز در عملیات بزرگ فاو؛ تهران: شهید سعید محبی، 1382؛ شرح وظایف افسر رابط هوایی، معاونت عملیات هوانیروز؛ مصاحبه کتبی و شفاهی خلبانان و فرماندهان در آرشیو گروه معارف جنگ هوانیروز، سرتیپ‌دوم خلبان سیدرضا پورغلامی؛ نمکی ‌عراقی، علی‌رضا، تاریخ نبردهای هوایی، مرکز مطالعات راهبردی نیروی هوایی ارتش، تهران: 1396.